

کتابخانه‌های اسلامی

(۲)

کتابخانه‌های سلطنتی بغداد - قرطبه

گفته شد که جمعی از صحابه منجمله حضرت علی (ع) قرآنهایی نوشتند چنانکه صحافی (جمع صحیفه = جزوه) در حدیث بجمعی از یاران رسول اکرم نسبت داده شده، که از آنجمله (صحیفه صادق) از عبدالله بن عمرو عاص و صحیفه جابر بن عبدالله و سمره بن جندب است (۱) و گویا اخیراً دو نسخه از صحیفه ابوهریره که همام بن منبه جمع آورده بتوسط دکتر محمد حمید الله در دمشق و برلن یافت شده (۲).

از علی (ع) نوشته‌های دیگری در مدارک شیعه یاد شده. منجمله صحیفه فاطمه (ع) و کتاب علی (ع) و جفر ایض و احمر (۳) که طبق تحقیق علامه ماسوف علیه سید محسن عاملی در کتاب اعیان الشیعه جفر ایض و احمر نام دو کتاب بوده که در آن احکام و پاره‌ای از قضایا ثبت شده بود. از صحابه که بگذریم در دوران تابعین بنام جمعی برخورد میکنیم که دارای تالیفات بوده‌اند و چنانکه میدانیم از زمان عمر بن عبدالعزیز دستور رسمی جمع‌آوری و ضبط احادیث پیغمبر صادر و گروهی نیز بآن اشتغال داشته‌اند با اینهمه تا اواخر قرن دوم کتابخانه در میان

۱- در کتابت حدیث بین صحابه پیغمبر اختلاف بوده. جمعی که از آنان علی (ع) و حسن (ع) و انس بن مالک و عبدالله بن عمرو عاص بوده‌اند قائل بجواز بلکه رجحان آن بوده‌اند ولی دسته‌ای که در راس آنان عمر (خلیفه) دوم است آنرا روا نمیدانستند (رکعه علم الحدیث تألیف ابن بنده ص ۴۶).

۲- علوم الحدیث دکتر صبحی صالح.

۳- جفر پوست بزقاله‌ها نامند و چون نوشته مزبور بر روی پوست بز که بطور خاصی از آن برای کتابت استفاده میشد مرقوم گردیده بود آنرا جفر میگفتند. صحیفه فاطمه کتابی بود باملاء رسول اکرم و نوشته علی (ع) که نزد فاطمه (ع) نگهداری میشده کتاب علی (ع) نوشته‌هایی از آن حضرت بوده که بر روی پوست در طوماری ثبت شده بود این کتابها در خاندان علی (ع) نزد امامان شیعه نگهداری میشد و بنقل تاسیس - الشیعه حضرت باقر (ع) در مورد اختلافی که آنجناب را با حکم بن عتیبه (پیشوای فرقه‌ای از زیدیه) در مسئله‌ای پدید گشت کتاب علی را که بخط حضرتش موجود داشت برای فیصله نزاع بوی ارائه داد.

مسلمین وجود نداشته و کتب معدودی که یافت‌میشده بیشتر در زمینه حدیث بوده، آری از خصائص معاویه مینویسند: وی تا پاسی از شب بخواندن کتابهایی که قبلاً تهیه و بازرسی شده بود میپرداخت. از این جمله استفاده میشود که وی دارای کتابخانه‌ای بوده.

نوادهٔ همین معاویه، خالد بن یزید که بواسطهٔ محرومیت از سلطنت خود را سرگرم کتاب ساخته بود و مخصوصاً بکتاب شیمی «کیمیاگری» دلباختگی داشت دستور داد در موضوع مزبور برایش ترجمه کردند که ظاهراً اقدم تراجم عربی همین کتابها بوده.

بظن قوی این کتابها در محلی بنام خزانهٔ الکتب تا اوائل قرن دوم موجود بوده. زیرا طبق نوشتهٔ ابن ابی‌اصیبه، کتابی از ان ماسرجویه طیب که در خزانهٔ الکتب موجود بوده بدستور عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱) نسخه‌برداری و منتشر ساختند.

از اواسط قرن دوم موضوع نگارش و تدوین کتب خاصه حدیث کاملاً رواج یافت و در اواخر همین قرن کتابهایی در موضوعات دیگر مانند سیرهٔ رسول اکرم و مغازی، غریب‌الحدیث قرائت، نقطه‌گذاری و اعراب قرآن، وقوف‌القرآن تألیف گردید. و بواسطهٔ انتشار خط در میان مسلمین و توسعهٔ نطق کشورهای اسلامی و داخل‌شدن اقوام ایرانی و سوری و مصری (که با خط آشنا بودند) در قلمرو اسلام، کتبی پدید آمد و کم‌کم کار کتاب‌نویسی رواج یافت. منتهی مشکلی، در راه تکثیر کتاب وجود داشت و آن کمی کاغذ بود که جمعی بواسطهٔ کمیابی و گرانی کاغذ توانائی تدوین معلومات خویش را نداشتند و بطریق اولی کار نسخه‌برداری از مؤلفات دانشمندان برای همه‌کس مقدور نبود. زیرا در آغاز اسلام، نوشته را روی ورق (پوست نازک آهو و مانند آن) و همچنین لخاف (سنگهای نازک سفید) و استخوان کتف شتر و گوسفند و احياناً بر (قرطاس) که نوعی از پوست گیاه بردی (نی‌مخصوص) است مینوشتند. (۴)

پس از گشایش مصر بدست مسلمین بردی (پوست نی مخصوص) و یک‌نوع قماش که برای نوشت افزار بکار میرفت جای انواع قبلی را گرفت.

گاهی برای نوشتن اسناد مهم از مهرق نیز استفاده میشد. نوع اخیر یک‌قسم پارچهٔ حریر سفید صمغ زده و صیقل‌داده بوده است که در فارسی مهرک نامیده شده و در آن خط مینوشتند (۵). ولی هنگامیکه کش فتح شد کاغذسازان آندیار بمرقند و از آنجا بسایر بلاد اسلامی

۴- پرتو اسلام ۳۴۳

۵- نامه‌های شاهان ایران که در شاهنامه توصیف شده بر روی حریر (دیبا) که همین مهرک است نوشته شده.

پراکنده شدند و صنعت کاغذسازی رواج یافت و این نوع کاغذ را ورق نامیدند منتهی این گشایش در اوائل خلافت عباسیان بوده چنانکه در تاریخ انواع کاغذها را بنام کارگران این دستگاه میشناسیم .

مثلا ورق سلیمانی منسوب بسلیمان بن راشد عامل خراج خراسان در زمان هارون، طاهری مضاف بطاهر بن حسین (فرمانروایان نیمه مستقل خراسان از مأمون بعد) .

بنابر این کتابخانه بمعنی متعارف و باصطلاح بحمل شایع قبل از این دوران ممکن نبوده و آنچه از معاویه یا خالد بن یزید گفتیم تعداد کمی کتاب بوده که در عصر ما در اغلب خانهها پیش از آن یافت میشود .

فقط در باره ابو عمرو بن علاء متولد سال ۷۰ هـ نقل شده که کتب شخصی وی خانه‌ای را تا سقف پر کرده بود و چنان تن بزهده و عبادت داد تمام آن کتب را آتش زد (۶) .

امام احمد بن حنبل و یحیی بن معین که از ائمه و مشایخ حدیث اهل سنت اند نیز هر یک کتابخانه‌ای داشته‌اند .

کتابخانه سلطنتی بغداد

اولین کتابخانه‌ای که مسلمین تاسیس کردند بیت الحکمه در بغداد است که اساس آنرا هارون الرشید ریخت زیرا قبل از وی منصور عباسی دستور داده بود کتابهایی از زبانهای اجنبی بعبری ترجمه شود (۷) و همین کتابهای ترجمه شده پایه کتابخانه مزبور گردید که بتشویق یحیی بن خالد برمکی وزیر اعظم هارون الرشید که در حقیقت چشم و چراغ خلافت عباسیان بود محلی برای کتب مزبور ساختمان شد و کار ترجمه کتاب ادامه یافت .

یحیی نمایندگانی به هند و ستان فرستاد و جمعی از حکمای آن سرزمین را بمقر خلافت دعوت کرد و بتوسط آنان سرمایه علمی بزرگی وارد بغداد گردید . از ایران هم که در آن زمان جزو امپراطوری عظیم خلافت عباسی محسوب میشد دانشمندی در دربار خلیفه وجود داشتند (۸)

۶- پرتو اسلام ۲ و ۶۶ - در مقالات شبلی ص ۱۲۶ مینویسد : منصور دستور داد هزاران کتاب از زبانهای اجنبی را ترجمه کنند . میدانیم این سخن مبالغه است . ولی در اینکه از زمان وی کار ترجمه آغاز شده حرفی نیست .

۸- منجمه سلم صاحب بیت الحکمه است که کتبی از فارسی بعبری ترجمه کرد (فهرست ابن ندیم ص ۱۸)

که مخصوصاً بتوسط برمکیان که خود ایرانی‌نژاد بودند مورد عنایت و تشویق واقع میشدند چنانکه رئیس کتابخانه یکتن ایرانی بوده که مخصوصاً مسلک شعوبی داشته (۹).

بنای علمی مزبور شامل دو قسمت یکی کتابخانه و دیگری دارالترجمه بوده و با کمال بی‌غرضی و وسعت مشرب از هر گونه کتاب علمی و از هر دانشمندی برای ترجمه استفاده میشد. چنانکه علان شعوبی و سهل بن هرون (۱۰) و سعید بن هرون و سلم در بیت‌الحکمه بکار ترجمه اشتغال داشتند در صورتیکه اینان همیشه به جو عرب پرداخته و در این باره کتابها ساختند. ابن ندیم گوید ابوسهل فضل بن نوبخت در خزانه الحکمه که مخصوص هارون بوده اشتغال داشت.

ظاهراً ریاست دارالترجمه بعهدۀ همین فضل و یوحنا بن ماسویه بوده. هارون یوحنا را مأمور کرد کتابهای را که در آنقره و عموریه بدست آورده بود عبری ترجمه نماید و چند نویسنده زیر دست او معین کرد (۱۱).

عده‌ای نیز در بیت‌الحکمه بکار جلدسازی و صحافی اشتغال داشته‌اند چنانکه در ترجمه ابن ابی‌الحریش همین سمت را برای وی در بیت‌الحکمه نوشته‌اند.

چون نوبت بمامون رسید این بنای علمی را توسعه داد تا جائیکه پاره‌ای از اسناد و اشعار جاهلیت و خطوط و نامه‌های قبل از اسلام را در این محل گردآورد. فرید وجدی نقل میکند که مأمون صد بار شتر کتاب بیغداده حمل کرد. ظاهراً این کتابها ضمن قرار صلحی که بین وی و امپراطور روم میشل سوم امضا شده بمسلمین انتقال یافت. زیرا مفاد این قرارداد چنین بوده که یکی از کتابخانه‌های قسطنطنیه بیغداده فرستاده شود (۱۲). مینویسند وی سیصد هزار دینار صرف ترجمه کتب کرد (۱۳).

خوشبختانه در این زمان علوم اسلامی نیز تدوین شده و کتابهایی در علوم قرآن و حدیث و فقه و صرف و نحو، نوشته شده بود که معمولاً بواسطه برخورداری از انعام خلیفه بدر بار اهداء میشد و خود خلیفه که از این علوم بهره‌ و آفری داشت کتب مزبور را جمع‌آوری و ضبط مینمود.

۹- شعوبی نام حزب طرفدار برتری عجم بر عرب بوده (رک پرتو اسلام ج ۱ تاریخ ادبیات دکتر صفاح)

۱۰- انتقل الی البصره - و کان متحققاً بخدمه المامون و صاحب خزانه الحکمه له . و کان حکیماً فصیحاً

شاعراً فارسی‌الاصول . شعوبی المذهب . شدید العصبیه علی العرب (فهرست ابن ندیم ص ۱۸۰)

۱۱ و ۱۲ - ۱۳ - دائرة المعارف قرن عشرين .

۱۱- پرتو اسلام ج ۳

علوم عقلی نیز بواسطه ترجمه کتب فلسفه در میان جمعی از مسلمین روشنفکر شیوع یافته بود و آراء متکلمین اسلامی بصورت کتابهای برسمایه کتابخانه سلطنتی میافزود. بسیاری از نفائس این کتابخانه یک سند قرضه بخط عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف (۱۴) موجود بود که روی پوستی نوشته شده و الفاظش این بوده است:

حق عبدالمطلب بن هاشم من اهل مکه علی فلان بن فلان الحمیری من اهل وزل صنعا علیہ الف درهم فضة کیلا بالحدیده و متی دعا بها اجابه شهدالله والملکان .

بهر حال این کتابخانه که متأسفانه اطلاعات ما از آن بسیار اندک است تا مدت‌ها باقی بوده . ابن ندیم اینجا که از قلم حمیری سخن میگوید جزوهای را نام میبرد که در خزانه مأمون بوده و وی امر بترجمه آن کرده . و این سخن می‌رساند که خزانه الکتب یا قسمتی از کتابهای آن لاقلاً تا زمان تألیف کتاب فهرست (که بسال ۳۷۷ انجام شده) وجود داشته . در شرح حال جبرئیل بن عبدالله بن بختیشوع که از پزشکان معروف زمان عضدالدوله دیلمی است نوشته‌اند که پس از تألیف کتابش خود معروف به (کافی) یک نسخه از آنرا بر بیت‌الحکمه وقف کرد (۱۵) و این عبارت می‌رساند که بیت‌الحکمه علاوه بر اینکه تا آن زمان باقی بوده کم کم از انحصار دربار خلافت خارج و جنبه عمومی بخود گرفته بوده است که طبیب نامبرده کتاب خویش را به آنجا وقف کرده نه اهداء ،

در دائرة المعارف اسلامی تازمان هجوم مغول به بغداد بیت‌الحکمه را موجود میدانند . ولی بظن قوی پس از انتقال مقر خلافت از بغداد به سامراء (در زمان معتصم عباسی ۲۱۸-۲۲۷) بقایای کتابهای این کتابخانه نیز دستخوش نقل و انتقال گردیده زیرا از این پس طی تواریخ اسلامی که حتی در همان ادوار نوشته شده اسمی از این کتابخانه نمی‌بینیم . و آنکه در انقلابات سیاسی و آتش‌سوزیهای مکرر در بغداد هیچ نامی از این گنجینه نفیس بمیان نیست .

همزمان تشکیل کتابخانه (بغداد) در مرکز خلافت عباسی رقبای آنان یعنی خلفای اموی

۱۴- گرچه این سند را ابن ندیم در کتاب نفیس (الفهرست) آورده و علامه شبلی نعمانی نیز آنرا بعنوان صحت پذیرفته . ولی شواهد تاریخی انتساب آنرا به عبدالعطلب تأیید نمی‌کنند زیرا اغلب مورخین پیدایش خط را در مکه از زمان ابوسفیان میدانند که مردی از اهل حیره به مکه آمد و با ابوسفیان آشنا شده و بوی نوشتن آموخت و از آن پس دیگران بنوشتن آشنا شدند. آری ممکن است خط از همان مرد حمیری باشد زیرا در یمن که صنعا از شهرهای آندریار است از مدت‌ها پیش خط حمیری مرسوم بوده و ابن ندیم قلم حمیری را همان خط مسند شمرده .

۱۵- مجله مهر شماره ۸ دوره ۱۱- مقاله خوزستان بقلم آقای امام.

اندلس (۱۳۸-۴۲۲) (۱۶) و پس از اندکی خلفای فاطمی مصر (۲۹۷-۵۶۷) در قرطبه و قاهره تشکیل دو کتابخانه^{۱۶} معظم دادند که به مراتب از دارالحکمه مهمتر و پرارج تر بود و ما اجمالاً شرحی از آنها یاد میکنیم .

کتابخانه قرطبه

بمزمومه ایضیه قسم

حکم ملقب بمستنصر (۱۷) سلطان قرطبه که مردی دانش دوست و هنر پرور بود دستور داد تا کتب فلسفه را که در شرق وجود دارد به آنجا آورده و ترجمه نمایند . مقریزی گوید: وی عده‌ای از تجار را با مال زیادی برای این کار گمارده بود . و هر کجا کتاب نفیسی سراغ داشت چه قرطبه منتقل می‌ساخت . چنانکه صیت بزل و بخشش وی در این باره صاحبان تالیف را تشویق میکرد که از کتاب خویش برای دربار وی نسخه‌ای ارسال دارند .

و حتی از مقر سلطنت عباسیان نسخه‌های نفیسی بدانسانان گسیل میشد. ابوالفرج اصفهانی هنگامیکه از تألیف اغانی فراغت یافت نسخه اصل آنرا برای مستنصر فرستاد زیرا (حکم) قبلاً هزار دینار در مقابل ارسال آن بمؤلف اختصاص داده بود .

دیری نگذشت که این کتابخانه دریای مواجی از کتاب شد. نوشته‌اند: شماره کتابهای این کتابخانه بالغ بر ششصد هزار جلد بوده و ۴۴ جلد فهرست آن میشده (۱۸) . ابن خلدون مینویسد فقط فهرست دواوین شعراء ۸۸۰ صفحه را فرا گرفته بود . در این کتابخانه جمعی از مهره فن نگارش و تجلید و تزیین کتب جمع بودند .

خوش نویسان آن عصر در این مرکز نقش مهمی را داشتند. قرآنها و دواوین شعرا و طغراها (که شامل احکام و فرامین بود) و کتابهایی که ترجمه می‌شد بتوسط آنان مبیضه و رونویس میگرددید . آنگاه صحافان و جلدسازان کتبی را که جلد مناسبی نداشت صحافی و تجلید کرده و آنها که اهمیت بیشتری داشت تزئین مینمودند علامه شبلی مینویسد: گرچه این کتابخانه خود

۱۶- اسپانیا بین سالهای ۹۱-۹۳ به توسط مسلمین فتح شد و تا سال ۱۲۸ بدست امرای تابع خلفا اداره میشد . در سال ۱۳۷ عبدالرحمن اموی که از ترس خلفای عباسی متواری شده بود با اسپانیا گریخت و در آنجا نفوذ یافته و در سال ۱۳۸ اسپانیا از قلمرو خلافت عباسی مجزی گردید و تا سال ۴۲۲ هـ . بیست و چهار تن (که ۵ تن آنان غیر اموی بودند) بترتیب خلافت کردند از آن پس حوادثی منجر به تشکیل ملوک الطوائف در اسپانیا گردید سلسله‌های بنی‌عباد و مرابطین و موحدین تا ۵۴۵ آنجا را در تصرف داشتند .

۱۷- وی با مستنصر عباسی اشتباه نشود .

۱۸- نفع الطیب ار ۳۶۲ - اندلس شادروان دکتر آیتی

حیرت انگیز بود. لیکن وسعت نظر بانی کتابخانه بیش از آن تعجب انگیز می باشد. مطابق بیان مورخان اکثر کتابها از نظروی گذشته و بر آنها حواشی مفید الحاق کرده بود و نیز در آغاز هر کتاب نام و نسب مؤلف، مولد و درگذشت او را می نوشته است و فوائد و نکاتی بدینسان شگفت انگیز درج می کرده که نظیر آن در جای دیگر بدست نمی آمده است. متأسفانه پس از مستنصر پسرش هشام بن حکم که تابع نظرات وزیر خویش ابی عامر بود نتوانست این گنجینه علمی را نگهداری کند. وزیر نامبرده کتب فلسفی و هیوی کتابخانه مزبور را از بین برد و پس از افول کوبه امویان اندلس بیشتر کتب بازمانده در محاصره بربر (۱۹) فروخته شد (۲۰) و بقایای آن با شیپلیه و غرناطه و جاهای دیگر منتقل گردید.

کتابخانه فاطمیان در قاهره (۲۱)

حاکم ششمین خلیفه فاطمی مصر (۳۸۶-۴۱۱) در سال ۳۹۵ مدرسه ای بنام دارالعلم ایجاد کرد و کتابخانه معظمی بنام دارالحکمه تشکیل داد و سالی ۲۵۷۰ دینار طلا برای هزینه آنجا

۱۹- محاصره قرطبه بتوسط مستعین که بر قرطبه قبلا حکومت کرده بود) و بدست یاری بربرها (که از قرطبه اخراج شده بودند) انجام شد و مدت سه سال (۴۰۰-۴۰۳) طول کشید (رک اندلس ص ۱۰۱).

۲۰- ولم تزل هذه الكتب بقصر قرطبه الى ان بيع اكثرها في حصار البربر، امر باخراجها و ببيعها للحاجب واضح بن موالی المنصور بن ابی عامر و نهب ما بقی منها عند دخول البربر القرطبه (تاریخ ابن خلدون ص ۲۱۲- ۳- ۴).

۲۱- مصر در زمان خلافت عمر بیست هجری بموجب صلحی که عمرو عاص با مقوقس فرمانروای آن کشور (از ناحیه امپراطور روم) مقرر ساخت در تصرف مسلمین درآمد. در زمان خلفای راشدین و امویان و اوائل عباسیان (باستثنای امارت نیمه مستقل عمرو عاص بر آنکشور در زمان معاویه) بتوسط عمال خلفا اداره می شد. هنگامی که عنصر ترک در دستگاه خلافت راه یافت و کم کم کارهای مهم را قبضه کرد، قسمتی از کشورهای قلمرو خلافت نیز بتوسط آنان (که خلیفه اجباراً یا از ترس حکومت استان یا کشوری را بآنها واگذار میکرد) اداره میشد.

طولون از جمله غلامان ترکی است که یکی از اولیان ماوراءالنهر برای خلیفه عباسی هدیه فرستاد. احمد پسر طولون کم کم در دستگاه خلافت تقرب یافت و هنگامی که بایکبک (بایک بک) حاجب ترک خلیفه (معتز عباسی ۲۵۵) بامارت مصر منصوب گردید نامبرده را به نیابت خود استاندار کشور مصر ساخت، وی که مردی با کفایت بود از ضعف دستگاه خلافت استفاده کرده تشکیل سلطنت مستقلی در آنجا داد و شام را نیز ضمیمه قلمرو خود ساخت.

این سلسله از سال ۲۵۴ تا ۲۹۲ در این کشور حکمرانی میکردند. سپس تحولاتی در وضع مصر پدید گردید که مدتی خلیجی (یکی از لشکریان خلیفه) و پس از وی استاندارانی از مقر خلافت آنجا را اداره میکردند. در سال ۲۲۳ محمد بن طغج (یکی از اعقاب پادشاهان فرغانه که لقب اخشید داشتند) بامارت آنجا فرستاده شد.

مقرر ساخت (۲۲) .

قصد وی از اینکار رسمیت دادن تشیع در مصر بود (۲۳) لذا دانشمندان را از اکتاف جذب و وسائل تألیف کتاب در اختیارشان گذارد .

پس از وی ظاهر که مردی خردمند و متین بود کار کتابخانه را دنبال کرد و چون در گذشت مستنصر در دوران سلطنت ۶۰ ساله خود (این طول مدت برای هیچ زمامداری در اسلام دست نداده (۲۴) دارالحکمه را گنجینه‌ی بی نظیر از نفایس کتب ساخت .

مقریزی از این طویر نقل میکند که خزانه الکتب در محل بیمارستان عتیق بود و خلیفه هنگامی که برای بازدید کتابخانه حضور مییافت تا محل مزبور سواره میآمد آنگاه پیاده میشد و در محل مخصوصی قرار میگرفت. رئیس کتابخانه که در آنوقت جلیس بن عبدالقوی بود نزد وی حضور مییافت ، آنگاه قسمتی از قرآنها و نفیس و کتب نادری که تهیه شده بود بنظر خلیفه میرسانید و چنانچه کتابی مورد نظر وی قرار میگرفت بطور امانت با خود برده سپس رد مینمود. ساختمان کتابخانه عبارت از فضای بزرگ مسقفی بود که اطراف آن طاقچه‌ها قفسه‌بندی و کتب در آن چیده شده بود . در قفسه‌ها مقل بود . کتب خزانه متنوع و از هر باب و علمی تصانیف مهم و مشهور وجود داشت چنانکه از نحو و صرف و لغت و حدیث و تاریخ و سیرت ملوک و نجوم و علوم غریبه و شیمی (کیمیا) و حتی کتب فقه مذاهب در آنجا مضبوط بوده .

وی موفق گردید که سلسله آخسیدی را در مصر تشکیل دهد . پنج تن از این سلسله از سال ۳۲۳ تا ۳۵۸ در مصر حکومت کردند تا سال مزبور جوهر صقلی سر لشکر فاطمیان (که از سال ۲۹۷ در بلاد مغرب آفریقا تشکیل دولتی داده بودند) مصر را فتح کردو بسال ۳۶۲ المعز لدین الله چهارمین خلیفه فاطمی قاهره را مرکز خلافت قرار داد و تا سال ۵۶۷ با استقلال تام و شکوه و جلال فراوان در مصر و شام و قسمتی از آفریقا سلطنت داشتند .

۲۲- دائرة المعارف قرن مشرین - تاریخ اسلام دکتر فیاض . ولی ظاهرا این کتابخانه قبلا وجود داشته . زیرا در خطط مقریزی (چنانکه بعداً نقل خواهیم نمود) آمده است که نسخه‌های فراوانی از کتاب العین خلیل و تاریخ طبری و جمهره در زمان عزیز در کتابخانه وجود داشته. چنانکه از نوشته مقریزی در خطط استفاده میشود کتابخانه یا خزانه (دارالحکمه) غیر از کتابخانه دارالعلم بوده و گمان میرود منشأ اشتباه فرید وجدی و علامه شبلی نعمانی این بوده که خزانه دارالحکمه را با کتابخانه دارالعلم یکی گمان کرده‌اند و چون مسلماً دارالعلم را حاکم تأسیس کرده خزانه (دارالحکمه) را نیز از وی شمرده‌اند .

۲۳- تاریخ اسلام دکتر فیاض .

۲۴- حسن المحاضره سیوطی .

قرآنهائی بخط خوش‌نویسان مهم از قبیل ابن‌مقله و ابن بواب وجود داشته که تماماً پس از استیلای صلاح‌الدین ایوبی بفروش رسید. و گنجینه^{۲۵} بی‌ظنیری که برای تهیه آن مدت‌ها صرف عمر و مال شده بود بدست پراکندگی سپرده شد (۲۵).

وسعت کتابخانه^{۲۶} مزبور چنان بوده که در نتیجه^{۲۷} دسته‌بندی و جداساختن کتب هر موضوع چهل کتابخانه^{۲۸} مستقل پدید آمده بود (۲۶) و کتابهای آنرا باختلاف از صد هزار تا شصدهزار نوشته‌اند (۲۷).

در عظمت این کتابخانه همین بس که نقل شده تنها سی و چند نسخه از کتاب العین خلیل بن احمد فراهیدی (که نسخه^{۲۹} اصل یکی از آنها بشمار میرفتند) موجود داشته‌است (۲۸).

مقریزی نقل کرده که شخصی نسخه‌ای از تاریخ طبری را که صدینار خریداری کرده بود نزد عزیز بالله آورد. عزیز از وجود این کتاب در کتابخانه استفسار کرد. معلوم شد متجاوز از بیست و چند نسخه از کتاب مزبور در آن کتابخانه موجود است که نسخه^{۳۰} اصل نیز در میان آنها بوده. چنانکه صد نسخه از جه^{۳۱}م^{۳۲}م^{۳۳}م^{۳۴}م^{۳۵}م^{۳۶}م^{۳۷}م^{۳۸}م^{۳۹}م^{۴۰}م^{۴۱}م^{۴۲}م^{۴۳}م^{۴۴}م^{۴۵}م^{۴۶}م^{۴۷}م^{۴۸}م^{۴۹}م^{۵۰}م^{۵۱}م^{۵۲}م^{۵۳}م^{۵۴}م^{۵۵}م^{۵۶}م^{۵۷}م^{۵۸}م^{۵۹}م^{۶۰}م^{۶۱}م^{۶۲}م^{۶۳}م^{۶۴}م^{۶۵}م^{۶۶}م^{۶۷}م^{۶۸}م^{۶۹}م^{۷۰}م^{۷۱}م^{۷۲}م^{۷۳}م^{۷۴}م^{۷۵}م^{۷۶}م^{۷۷}م^{۷۸}م^{۷۹}م^{۸۰}م^{۸۱}م^{۸۲}م^{۸۳}م^{۸۴}م^{۸۵}م^{۸۶}م^{۸۷}م^{۸۸}م^{۸۹}م^{۹۰}م^{۹۱}م^{۹۲}م^{۹۳}م^{۹۴}م^{۹۵}م^{۹۶}م^{۹۷}م^{۹۸}م^{۹۹}م^{۱۰۰}م^{۱۰۱}م^{۱۰۲}م^{۱۰۳}م^{۱۰۴}م^{۱۰۵}م^{۱۰۶}م^{۱۰۷}م^{۱۰۸}م^{۱۰۹}م^{۱۱۰}م^{۱۱۱}م^{۱۱۲}م^{۱۱۳}م^{۱۱۴}م^{۱۱۵}م^{۱۱۶}م^{۱۱۷}م^{۱۱۸}م^{۱۱۹}م^{۱۲۰}م^{۱۲۱}م^{۱۲۲}م^{۱۲۳}م^{۱۲۴}م^{۱۲۵}م^{۱۲۶}م^{۱۲۷}م^{۱۲۸}م^{۱۲۹}م^{۱۳۰}م^{۱۳۱}م^{۱۳۲}م^{۱۳۳}م^{۱۳۴}م^{۱۳۵}م^{۱۳۶}م^{۱۳۷}م^{۱۳۸}م^{۱۳۹}م^{۱۴۰}م^{۱۴۱}م^{۱۴۲}م^{۱۴۳}م^{۱۴۴}م^{۱۴۵}م^{۱۴۶}م^{۱۴۷}م^{۱۴۸}م^{۱۴۹}م^{۱۵۰}م^{۱۵۱}م^{۱۵۲}م^{۱۵۳}م^{۱۵۴}م^{۱۵۵}م^{۱۵۶}م^{۱۵۷}م^{۱۵۸}م^{۱۵۹}م^{۱۶۰}م^{۱۶۱}م^{۱۶۲}م^{۱۶۳}م^{۱۶۴}م^{۱۶۵}م^{۱۶۶}م^{۱۶۷}م^{۱۶۸}م^{۱۶۹}م^{۱۷۰}م^{۱۷۱}م^{۱۷۲}م^{۱۷۳}م^{۱۷۴}م^{۱۷۵}م^{۱۷۶}م^{۱۷۷}م^{۱۷۸}م^{۱۷۹}م^{۱۸۰}م^{۱۸۱}م^{۱۸۲}م^{۱۸۳}م^{۱۸۴}م^{۱۸۵}م^{۱۸۶}م^{۱۸۷}م^{۱۸۸}م^{۱۸۹}م^{۱۹۰}م^{۱۹۱}م^{۱۹۲}م^{۱۹۳}م^{۱۹۴}م^{۱۹۵}م^{۱۹۶}م^{۱۹۷}م^{۱۹۸}م^{۱۹۹}م^{۲۰۰}م^{۲۰۱}م^{۲۰۲}م^{۲۰۳}م^{۲۰۴}م^{۲۰۵}م^{۲۰۶}م^{۲۰۷}م^{۲۰۸}م^{۲۰۹}م^{۲۱۰}م^{۲۱۱}م^{۲۱۲}م^{۲۱۳}م^{۲۱۴}م^{۲۱۵}م^{۲۱۶}م^{۲۱۷}م^{۲۱۸}م^{۲۱۹}م^{۲۲۰}م^{۲۲۱}م^{۲۲۲}م^{۲۲۳}م^{۲۲۴}م^{۲۲۵}م^{۲۲۶}م^{۲۲۷}م^{۲۲۸}م^{۲۲۹}م^{۲۳۰}م^{۲۳۱}م^{۲۳۲}م^{۲۳۳}م^{۲۳۴}م^{۲۳۵}م^{۲۳۶}م^{۲۳۷}م^{۲۳۸}م^{۲۳۹}م^{۲۴۰}م^{۲۴۱}م^{۲۴۲}م^{۲۴۳}م^{۲۴۴}م^{۲۴۵}م^{۲۴۶}م^{۲۴۷}م^{۲۴۸}م^{۲۴۹}م^{۲۵۰}م^{۲۵۱}م^{۲۵۲}م^{۲۵۳}م^{۲۵۴}م^{۲۵۵}م^{۲۵۶}م^{۲۵۷}م^{۲۵۸}م^{۲۵۹}م^{۲۶۰}م^{۲۶۱}م^{۲۶۲}م^{۲۶۳}م^{۲۶۴}م^{۲۶۵}م^{۲۶۶}م^{۲۶۷}م^{۲۶۸}م^{۲۶۹}م^{۲۷۰}م^{۲۷۱}م^{۲۷۲}م^{۲۷۳}م^{۲۷۴}م^{۲۷۵}م^{۲۷۶}م^{۲۷۷}م^{۲۷۸}م^{۲۷۹}م^{۲۸۰}م^{۲۸۱}م^{۲۸۲}م^{۲۸۳}م^{۲۸۴}م^{۲۸۵}م^{۲۸۶}م^{۲۸۷}م^{۲۸۸}م^{۲۸۹}م^{۲۹۰}م^{۲۹۱}م^{۲۹۲}م^{۲۹۳}م^{۲۹۴}م^{۲۹۵}م^{۲۹۶}م^{۲۹۷}م^{۲۹۸}م^{۲۹۹}م^{۳۰۰}م^{۳۰۱}م^{۳۰۲}م^{۳۰۳}م^{۳۰۴}م^{۳۰۵}م^{۳۰۶}م^{۳۰۷}م^{۳۰۸}م^{۳۰۹}م^{۳۱۰}م^{۳۱۱}م^{۳۱۲}م^{۳۱۳}م^{۳۱۴}م^{۳۱۵}م^{۳۱۶}م^{۳۱۷}م^{۳۱۸}م^{۳۱۹}م^{۳۲۰}م^{۳۲۱}م^{۳۲۲}م^{۳۲۳}م^{۳۲۴}م^{۳۲۵}م^{۳۲۶}م^{۳۲۷}م^{۳۲۸}م^{۳۲۹}م^{۳۳۰}م^{۳۳۱}م^{۳۳۲}م^{۳۳۳}م^{۳۳۴}م^{۳۳۵}م^{۳۳۶}م^{۳۳۷}م^{۳۳۸}م^{۳۳۹}م^{۳۴۰}م^{۳۴۱}م^{۳۴۲}م^{۳۴۳}م^{۳۴۴}م^{۳۴۵}م^{۳۴۶}م^{۳۴۷}م^{۳۴۸}م^{۳۴۹}م^{۳۵۰}م^{۳۵۱}م^{۳۵۲}م^{۳۵۳}م^{۳۵۴}م^{۳۵۵}م^{۳۵۶}م^{۳۵۷}م^{۳۵۸}م^{۳۵۹}م^{۳۶۰}م^{۳۶۱}م^{۳۶۲}م^{۳۶۳}م^{۳۶۴}م^{۳۶۵}م^{۳۶۶}م^{۳۶۷}م^{۳۶۸}م^{۳۶۹}م^{۳۷۰}م^{۳۷۱}م^{۳۷۲}م^{۳۷۳}م^{۳۷۴}م^{۳۷۵}م^{۳۷۶}م^{۳۷۷}م^{۳۷۸}م^{۳۷۹}م^{۳۸۰}م^{۳۸۱}م^{۳۸۲}م^{۳۸۳}م^{۳۸۴}م^{۳۸۵}م^{۳۸۶}م^{۳۸۷}م^{۳۸۸}م^{۳۸۹}م^{۳۹۰}م^{۳۹۱}م^{۳۹۲}م^{۳۹۳}م^{۳۹۴}م^{۳۹۵}م^{۳۹۶}م^{۳۹۷}م^{۳۹۸}م^{۳۹۹}م^{۴۰۰}م^{۴۰۱}م^{۴۰۲}م^{۴۰۳}م^{۴۰۴}م^{۴۰۵}م^{۴۰۶}م^{۴۰۷}م^{۴۰۸}م^{۴۰۹}م^{۴۱۰}م^{۴۱۱}م^{۴۱۲}م^{۴۱۳}م^{۴۱۴}م^{۴۱۵}م^{۴۱۶}م^{۴۱۷}م^{۴۱۸}م^{۴۱۹}م^{۴۲۰}م^{۴۲۱}م^{۴۲۲}م^{۴۲۳}م^{۴۲۴}م^{۴۲۵}م^{۴۲۶}م^{۴۲۷}م^{۴۲۸}م^{۴۲۹}م^{۴۳۰}م^{۴۳۱}م^{۴۳۲}م^{۴۳۳}م^{۴۳۴}م^{۴۳۵}م^{۴۳۶}م^{۴۳۷}م^{۴۳۸}م^{۴۳۹}م^{۴۴۰}م^{۴۴۱}م^{۴۴۲}م^{۴۴۳}م^{۴۴۴}م^{۴۴۵}م^{۴۴۶}م^{۴۴۷}م^{۴۴۸}م^{۴۴۹}م^{۴۵۰}م^{۴۵۱}م^{۴۵۲}م^{۴۵۳}م^{۴۵۴}م^{۴۵۵}م^{۴۵۶}م^{۴۵۷}م^{۴۵۸}م^{۴۵۹}م^{۴۶۰}م^{۴۶۱}م^{۴۶۲}م^{۴۶۳}م^{۴۶۴}م^{۴۶۵}م^{۴۶۶}م^{۴۶۷}م^{۴۶۸}م^{۴۶۹}م^{۴۷۰}م^{۴۷۱}م^{۴۷۲}م^{۴۷۳}م^{۴۷۴}م^{۴۷۵}م^{۴۷۶}م^{۴۷۷}م^{۴۷۸}م^{۴۷۹}م^{۴۸۰}م^{۴۸۱}م^{۴۸۲}م^{۴۸۳}م^{۴۸۴}م^{۴۸۵}م^{۴۸۶}م^{۴۸۷}م^{۴۸۸}م^{۴۸۹}م^{۴۹۰}م^{۴۹۱}م^{۴۹۲}م^{۴۹۳}م^{۴۹۴}م^{۴۹۵}م^{۴۹۶}م^{۴۹۷}م^{۴۹۸}م^{۴۹۹}م^{۵۰۰}م^{۵۰۱}م^{۵۰۲}م^{۵۰۳}م^{۵۰۴}م^{۵۰۵}م^{۵۰۶}م^{۵۰۷}م^{۵۰۸}م^{۵۰۹}م^{۵۱۰}م^{۵۱۱}م^{۵۱۲}م^{۵۱۳}م^{۵۱۴}م^{۵۱۵}م^{۵۱۶}م^{۵۱۷}م^{۵۱۸}م^{۵۱۹}م^{۵۲۰}م^{۵۲۱}م^{۵۲۲}م^{۵۲۳}م^{۵۲۴}م^{۵۲۵}م^{۵۲۶}م^{۵۲۷}م^{۵۲۸}م^{۵۲۹}م^{۵۳۰}م^{۵۳۱}م^{۵۳۲}م^{۵۳۳}م^{۵۳۴}م^{۵۳۵}م^{۵۳۶}م^{۵۳۷}م^{۵۳۸}م^{۵۳۹}م^{۵۴۰}م^{۵۴۱}م^{۵۴۲}م^{۵۴۳}م^{۵۴۴}م^{۵۴۵}م^{۵۴۶}م^{۵۴۷}م^{۵۴۸}م^{۵۴۹}م^{۵۵۰}م^{۵۵۱}م^{۵۵۲}م^{۵۵۳}م^{۵۵۴}م^{۵۵۵}م^{۵۵۶}م^{۵۵۷}م^{۵۵۸}م^{۵۵۹}م^{۵۶۰}م^{۵۶۱}م^{۵۶۲}م^{۵۶۳}م^{۵۶۴}م^{۵۶۵}م^{۵۶۶}م^{۵۶۷}م^{۵۶۸}م^{۵۶۹}م^{۵۷۰}م^{۵۷۱}م^{۵۷۲}م^{۵۷۳}م^{۵۷۴}م^{۵۷۵}م^{۵۷۶}م^{۵۷۷}م^{۵۷۸}م^{۵۷۹}م^{۵۸۰}م^{۵۸۱}م^{۵۸۲}م^{۵۸۳}م^{۵۸۴}م^{۵۸۵}م^{۵۸۶}م^{۵۸۷}م^{۵۸۸}م^{۵۸۹}م^{۵۹۰}م^{۵۹۱}م^{۵۹۲}م^{۵۹۳}م^{۵۹۴}م^{۵۹۵}م^{۵۹۶}م^{۵۹۷}م^{۵۹۸}م^{۵۹۹}م^{۶۰۰}م^{۶۰۱}م^{۶۰۲}م^{۶۰۳}م^{۶۰۴}م^{۶۰۵}م^{۶۰۶}م^{۶۰۷}م^{۶۰۸}م^{۶۰۹}م^{۶۱۰}م^{۶۱۱}م^{۶۱۲}م^{۶۱۳}م^{۶۱۴}م^{۶۱۵}م^{۶۱۶}م^{۶۱۷}م^{۶۱۸}م^{۶۱۹}م^{۶۲۰}م^{۶۲۱}م^{۶۲۲}م^{۶۲۳}م^{۶۲۴}م^{۶۲۵}م^{۶۲۶}م^{۶۲۷}م^{۶۲۸}م^{۶۲۹}م^{۶۳۰}م^{۶۳۱}م^{۶۳۲}م^{۶۳۳}م^{۶۳۴}م^{۶۳۵}م^{۶۳۶}م^{۶۳۷}م^{۶۳۸}م^{۶۳۹}م^{۶۴۰}م^{۶۴۱}م^{۶۴۲}م^{۶۴۳}م^{۶۴۴}م^{۶۴۵}م^{۶۴۶}م^{۶۴۷}م^{۶۴۸}م^{۶۴۹}م^{۶۵۰}م^{۶۵۱}م^{۶۵۲}م^{۶۵۳}م^{۶۵۴}م^{۶۵۵}م^{۶۵۶}م^{۶۵۷}م^{۶۵۸}م^{۶۵۹}م^{۶۶۰}م^{۶۶۱}م^{۶۶۲}م^{۶۶۳}م^{۶۶۴}م^{۶۶۵}م^{۶۶۶}م^{۶۶۷}م^{۶۶۸}م^{۶۶۹}م^{۶۷۰}م^{۶۷۱}م^{۶۷۲}م^{۶۷۳}م^{۶۷۴}م^{۶۷۵}م^{۶۷۶}م^{۶۷۷}م^{۶۷۸}م^{۶۷۹}م^{۶۸۰}م^{۶۸۱}م^{۶۸۲}م^{۶۸۳}م^{۶۸۴}م^{۶۸۵}م^{۶۸۶}م^{۶۸۷}م^{۶۸۸}م^{۶۸۹}م^{۶۹۰}م^{۶۹۱}م^{۶۹۲}م^{۶۹۳}م^{۶۹۴}م^{۶۹۵}م^{۶۹۶}م^{۶۹۷}م^{۶۹۸}م^{۶۹۹}م^{۷۰۰}م^{۷۰۱}م^{۷۰۲}م^{۷۰۳}م^{۷۰۴}م^{۷۰۵}م^{۷۰۶}م^{۷۰۷}م^{۷۰۸}م^{۷۰۹}م^{۷۱۰}م^{۷۱۱}م^{۷۱۲}م^{۷۱۳}م^{۷۱۴}م^{۷۱۵}م^{۷۱۶}م^{۷۱۷}م^{۷۱۸}م^{۷۱۹}م^{۷۲۰}م^{۷۲۱}م^{۷۲۲}م^{۷۲۳}م^{۷۲۴}م^{۷۲۵}م^{۷۲۶}م^{۷۲۷}م^{۷۲۸}م^{۷۲۹}م^{۷۳۰}م^{۷۳۱}م^{۷۳۲}م^{۷۳۳}م^{۷۳۴}م^{۷۳۵}م^{۷۳۶}م^{۷۳۷}م^{۷۳۸}م^{۷۳۹}م^{۷۴۰}م^{۷۴۱}م^{۷۴۲}م^{۷۴۳}م^{۷۴۴}م^{۷۴۵}م^{۷۴۶}م^{۷۴۷}م^{۷۴۸}م^{۷۴۹}م^{۷۵۰}م^{۷۵۱}م^{۷۵۲}م^{۷۵۳}م^{۷۵۴}م^{۷۵۵}م^{۷۵۶}م^{۷۵۷}م^{۷۵۸}م^{۷۵۹}م^{۷۶۰}م^{۷۶۱}م^{۷۶۲}م^{۷۶۳}م^{۷۶۴}م^{۷۶۵}م^{۷۶۶}م^{۷۶۷}م^{۷۶۸}م^{۷۶۹}م^{۷۷۰}م^{۷۷۱}م^{۷۷۲}م^{۷۷۳}م^{۷۷۴}م^{۷۷۵}م^{۷۷۶}م^{۷۷۷}م^{۷۷۸}م^{۷۷۹}م^{۷۸۰}م^{۷۸۱}م^{۷۸۲}م^{۷۸۳}م^{۷۸۴}م^{۷۸۵}م^{۷۸۶}م^{۷۸۷}م^{۷۸۸}م^{۷۸۹}م^{۷۹۰}م^{۷۹۱}م^{۷۹۲}م^{۷۹۳}م^{۷۹۴}م^{۷۹۵}م^{۷۹۶}م^{۷۹۷}م^{۷۹۸}م^{۷۹۹}م^{۸۰۰}م^{۸۰۱}م^{۸۰۲}م^{۸۰۳}م^{۸۰۴}م^{۸۰۵}م^{۸۰۶}م^{۸۰۷}م^{۸۰۸}م^{۸۰۹}م^{۸۱۰}م^{۸۱۱}م^{۸۱۲}م^{۸۱۳}م^{۸۱۴}م^{۸۱۵}م^{۸۱۶}م^{۸۱۷}م^{۸۱۸}م^{۸۱۹}م^{۸۲۰}م^{۸۲۱}م^{۸۲۲}م^{۸۲۳}م^{۸۲۴}م^{۸۲۵}م^{۸۲۶}م^{۸۲۷}م^{۸۲۸}م^{۸۲۹}م^{۸۳۰}م^{۸۳۱}م^{۸۳۲}م^{۸۳۳}م^{۸۳۴}م^{۸۳۵}م^{۸۳۶}م^{۸۳۷}م^{۸۳۸}م^{۸۳۹}م^{۸۴۰}م^{۸۴۱}م^{۸۴۲}م^{۸۴۳}م^{۸۴۴}م^{۸۴۵}م^{۸۴۶}م^{۸۴۷}م^{۸۴۸}م^{۸۴۹}م^{۸۵۰}م^{۸۵۱}م^{۸۵۲}م^{۸۵۳}م^{۸۵۴}م^{۸۵۵}م^{۸۵۶}م^{۸۵۷}م^{۸۵۸}م^{۸۵۹}م^{۸۶۰}م^{۸۶۱}م^{۸۶۲}م^{۸۶۳}م^{۸۶۴}م^{۸۶۵}م^{۸۶۶}م^{۸۶۷}م^{۸۶۸}م^{۸۶۹}م^{۸۷۰}م^{۸۷۱}م^{۸۷۲}م^{۸۷۳}م^{۸۷۴}م^{۸۷۵}م^{۸۷۶}م^{۸۷۷}م^{۸۷۸}م^{۸۷۹}م^{۸۸۰}م^{۸۸۱}م^{۸۸۲}م^{۸۸۳}م^{۸۸۴}م^{۸۸۵}م^{۸۸۶}م^{۸۸۷}م^{۸۸۸}م^{۸۸۹}م^{۸۹۰}م^{۸۹۱}م^{۸۹۲}م^{۸۹۳}م^{۸۹۴}م^{۸۹۵}م^{۸۹۶}م^{۸۹۷}م^{۸۹۸}م^{۸۹۹}م^{۹۰۰}م^{۹۰۱}م^{۹۰۲}م^{۹۰۳}م^{۹۰۴}م^{۹۰۵}م^{۹۰۶}م^{۹۰۷}م^{۹۰۸}م^{۹۰۹}م^{۹۱۰}م^{۹۱۱}م^{۹۱۲}م^{۹۱۳}م^{۹۱۴}م^{۹۱۵}م^{۹۱۶}م^{۹۱۷}م^{۹۱۸}م^{۹۱۹}م^{۹۲۰}م^{۹۲۱}م^{۹۲۲}م^{۹۲۳}م^{۹۲۴}م^{۹۲۵}م^{۹۲۶}م^{۹۲۷}م^{۹۲۸}م^{۹۲۹}م^{۹۳۰}م^{۹۳۱}م^{۹۳۲}م^{۹۳۳}م^{۹۳۴}م^{۹۳۵}م^{۹۳۶}م^{۹۳۷}م^{۹۳۸}م^{۹۳۹}م^{۹۴۰}م^{۹۴۱}م^{۹۴۲}م^{۹۴۳}م^{۹۴۴}م^{۹۴۵}م^{۹۴۶}م^{۹۴۷}م^{۹۴۸}م^{۹۴۹}م

آتش زدند و ناصرالدوله را کشته و ترکی را بنام ایلدگزر بجای او قرار دادند (۴۶۵) (۳۱) ولی قبل از آتش سوزی کتابخانه عمده کتب آن دستخوش نقل و انتقال شده بود. مقریزی مینویسد: (۳۲) در سال ۴۶۱ هـ ۲۵ شتر کتاب از خزانه بمنزل وزیر ابوالفرج مغربی منتقل شد.

سبب انتقال کتب مزبور طلب وی و خطیرین موفق از دربار بعنوان موجب خود و غلامان خاصه آندو بود که چون تقدینه‌ای در خزانه وجود نداشت نفائس مزبور بئمن بخشی بان دو واگذار گردید (۳۳) ولی این کتابها در محل اخیر نیز دیری نپائید زیرا هنگامیکه ناصرالدوله پس از یکماه از این واقعه مصر را ترک گفت، بتاراج رفت (۳۴). بخش مهمی از کتب خزانه نیز در تملک عمادالدوله ابوالفضل بن محترق درآمده بود که باسکندریه منتقل شده و پس از قتل وی به مغرب انتقال یافت (۳۵).

آنچه مایه تأسف بیشتری است اینست که مقریزی نقل میکند: تعداد کثیری از کتب بی‌مانند که از لحاظ زیبایی خط و نوع جلد بی‌نظیر بود بدست جمعی از کنیزکان و غلامان بطور فجیعی نابود گردید. بدین معنی که جلد کتابرا در مصرف پاپوش استعمال کرده و اوراق آنرا بمناسبت اینکه ممکن است در آن مطالبی خلاف عقیده عامه باشد نابود می‌ساختند. قسمت مهمی نیز از کتب خزانه هنگام انتقال باسکندریه در آب غرق گردید. وبالاخره آنچه در قصر از دستبرد اشخاص و آتش سوزی محفوظ مانده بود پس از استیلای صلاح‌الدین ایوبی در معرض فروش درآمد (۳۶).

در اینجا ناگزیریم گوشه‌ای از تاریخ آلمان مصر را برای روشن شدن ارتباط مطالب بالا یاد کنیم زیرا آتش سوزی کاخ سلطنتی و خزانه الکتب در حدود سال ۴۶۵ اتفاق افتاد و تسلط صلاح‌الدین ایوبی بسال ۵۶۷ صورت گرفت بنابراین بیش از یکقرن بین ایندو واقعه فاصله زمانی است که طی اینمدت شش تن از خلفای فاطمی (باستثنای بقیه مدت خلافت مستنصر) باستقلال سلطنت کردند. باید دید در این مدت وضع کتابخانه مزبور چگونه بوده است.

۲۲ - خطط ۱/۲۵۲

۲۱ - تاریخ اسلام دکتر فیاض ص ۲۶۲

۲۳ - قیمت این کتب که بالغ بر يكصد هزار دینار میشد در آزاء پنجهزار دینار طلب این چنانی محسوب گردید.

۲۴ - خطط ۱/۲۵۳

۳۶ - خطط ۲۵۴

۲۵ - خطط ۱/۲۵۲

مقریزی که مهمترین واقعه‌نگار مصر اسلامی است در جایی نسخ تواریخ طبری که در خزانه الکتب موجود بوده بیست نسخه مینگارد ولی در جای دیگر نسخ موجود از همین کتابرا یک هزار و دو بیست نسخه می‌نویسد چنانکه در جایی شماره مجموع کتابهای خزانه را در حدود یکصد و سی هزار و در جایی یک میلیون و شصت هزار مجلد نوشته و ظاهر این دو نوشته باهم ضد و نقیض مینماید ولی صرف نظر از موضوع مبالغه (که بعقیده ما در بیشتر منقولات تاریخی بکار رفته) این دو نقل با هم منافات ندارد زیرا خزانه الکتب که پیش از دو قرن بر عمر آن گذشت از چند جهت مورد نظر و توجه خلفای فاطمی بود نخست از جنبه دانش و هنر پروری این دودمان. زیرا بیشتر خلفای فاطمی که ائمه و پیشوایان مذهبی اکثریت مصریان بودند در مقابل رقابای خویش یعنی خلفای عباسی بغداد و خلفای اموی اندلس از یکسو و در مقابل اهل سنت و سایر مذاهب اسلامی از سوی دیگر ناچار بودند خود را بزبور فضل و دانش بیارایند (۳۷).

دوم از لحاظ تبلیغی چه آنکه بخش مهمی از کتابهای خزانه الکتب مربوط به مذهب اسماعیلی و شامل جنبه تبلیغی بود، چنانکه همین قسمت یکی از موجبات نابودی این گنجینه بی نظیر علمی گردید چه آنکه در آتش سوزی خزانه و نیز سوختن کتب بدست غلامان ترك و فروش و نابود ساختن بقیه توسط صلاح الدین که سنی متعصبی بود، انگیزه اصلی، همین اختلاف مسلک و عقیده بوده.

سوم از نظر رقابت، زیرا در عصر فاطمیان سادگی و بی پیرایگی اعصار اولیه اسلامی جای خود را با تجمل دوستی و پیرایش ظاهری عوض کرده بود. و وجود کتابخانه یکی از همین وسائل تجمل محسوب می‌شد. و چنانکه خواهیم دید بیشتر حکمرانان بلاد اسلامی بلکه درباریان و اشراف هر شهر و دیار کتابخانه‌ای مخصوص خود داشتند و در این کار هم چشمی و تفوق اشخاص موجب تکثیر تعداد کتابها و بدست آوردن نفائس میگردد. ابن ندیم مینویسد دوستی برایم حکایت کرد که در حراج کتابخانه‌ای حضور داشتیم کتابی عرضه شد که مدت‌ها در پی آن بودم لذا هر چه قیمت افزوده میشد من بیش از آن میگفتم ولی مرتب قیمت کتاب بالا میرفت تا بجائی که چندین برابر قیمت متعارف آن افزوده شد متوجه شدم که از دیاد قیمت فقط بوسیله یک نفر ناشناس است از وی پرسیدم بها ی این کتاب به مقداری که میفرمائی نیست و مرا در اینکار

۳۷- نمونه‌ای از مراتب فضل و ادب آنان را در خط مقریزی (بعربی) و سفرنامه ناصر خسرو و تاریخ خلفای فاطمی (بفارسی) میتوان دید.

استفاده علمی منظور است تو بچه عنوان آنرا باین قیمت طالبی؟ گفت من گرچه از مطالب این کتاب اطلاعی ندارم ولی جای آن در کتابخانه من خالی است از اینرو آنرا بهر قیمتی باشد میخرم (۳۸).

بنا بر جهات فوق هر چه بر عمر کتابخانه مزبور افزوده میشد شماره کتب و نفائس آن افزون میگردد منتهی مدتی در زمان مستنصر رونق خزانه کتب کاسته شد و آنرا اسبابی سیاسی و عادی بوده مهمترین سبب عادی این امر وقوع و بای بزرگ و طولانی قرون وسطی است که در زمان این خلیفه رخ داد و هشت سال ادامه یافت چنانکه از مصر تا سمرقند باین حادثه شوم دچار گشتند و قهراً این موضوع چرخ اقتصاد کشورهای اسلامی را از کار انداخت و در نتیجه عوائد اداری کشور جوابگوی هزینه سرسام آور دربار خلافت با آنهمه تحمل را نمیداد، مثلاً همین مستنصر (که بلشکریان خود در اء حقوق آنان بناچار کتاب پرداخت) پنجاه هزار غلام سیاه زرخریده داشته (۳۹) و قسمتی از تجملات و گنجینه های مخصوص آنرا که مقریزی شرح داده سی صفحه از کتاب خطط را فرا گرفته (۴۰)

و اما مهمترین اسباب سیاسی آن موضوع تحزب درباریان و لشکریان خلیفه و اختلاف مذهبی فاطمیان با عامه بود خلیفه در آغاز بیشتر بوسیله عناصر افریقائی که از مغرب آمده بودند تقویت میشد و در مقابل، ترکها (که قبلاً فرمانروایان آنکشور بودند) آنرا بجای خویش نمیتوانستند دید.

مخصوصاً مادر مستنصر که زمام امور را در دست داشت در کوبانیدن عنصر ترك اصرار میورزید و حتی یکی از وزرای عاقل که این کار را بر ضرر ملك و ملت میدید و از دستور این زن سرپیچید بجرم صلاح اندیشی از وزارت برکنار شد. بیچاره خلیفه که در این امر موافق نبود از ناحیه هردو فریق متهم گشت.

کار این اختلاف بجنگهای خونین کشید. ناصر الدوله (که ذکرش گذشت) در راس ترکها قرار گرفت و پس از قتل و تفریق مخالفین همه کاره دستگاه خلافت شد. و چون نقدینه خزینه طی این مدت اتلاف شده بود کار بفروش امتعه و نفائس خزائن رسید، قسمتی از کتب و سایر

۲۸- فهرست ابن ندیم

۲۹- تاریخ اسلام دکتر فیاض

۴۰- خطط از صفحه ۲۵۲ تا ۲۸۳

اشیاء گرانبها بثمان بخش فروش و یا ابواب جمع امراء گردید . نرسیدن خراج و مالیات‌های ایالات تابعه و افزودن مواجب لشکریان تاراج خزائن را بیش از پیش تسریع کرد (۴۱) .

بالاخره میانه ناصرالدوله و ترکها تیره شد . وی بهمدستی جمعی در خارج قاهره بافساد پرداخت و قاهره را در محاصره^۱ اقتصادی گذاردگرانی و غلاء با بیماری وبا مردم را بنابودی کشید دوباره ناصرالدوله قاهره را در تصرف آورد و چیزی نگذشت که شومی کارش گریبانگیر وی شد و بطرز فجیعی خود و خویشانش کشته شدند . ازاین پس قاهره رو بآبادی رفت خرابیها مرمت شد . جاه و جلال دربار دوباره برگشت . بدر جمالی و پسرش افضل که هر دو صاحب عقل و تدبیر بودند بوزارت مستنصر رسیدند و چیزی نگذشت که باز قاهره چشم و چراغ شهرها گردید . شواهدی تجدید کتابخانه^۲ از بین رفته را تایید میکند .

منجمله نقلی است که مقریزی در خطط آورده: که چون قاضی فاضل عبدالرحیم بن علی پس از افول ستاره^۳ علویان مدرسه^۴ فاضلیه را در قاهره تاسیس کرد ، یکصد هزار جلد کتاب از کتب قصر را (که همان خزانه باشد) بکتابخانه آنجا انتقال داد .

نیز همین مورخ می نویسد : که پس از استیلاء صلاح الدین ایوبی بر مصر کتب خزانه^۵ الکتب بمعرض فروش گذارده شد . متصدی فروش آن شخصی بنام ابن صورته کتاب شناس و دلال کتاب بود و اینکار چند سال طول کشید .

میدانیم که روی کار آمدن صلاح الدین ایوبی بسال ۵۶۷ هجری بوده بنا براین تا زمان وی خزانه^۶ الکتب رونق داشته .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کاظم مدیر شانه چی

۴۱- ابن اثیر می نویسد مواجب ترکها که ماهی ۲۰ هزار دینار بود ب ماهی چهار صد هزار دینار بالا رفت .